



کد محصول
ES1575



آخرین بروزرسانی
۲۱ مهر ۱۴۰۴

جزوه استخدامی

متصدی امور دفتری قوه قضاییه

- ✓ پوشش دهی مباحث مهم و پرکاربرد به زبان ساده و روان
- ✓ نسخه رایگان شامل ۱۷ صفحه (صفحات کمتر و بدون سوال)
- ✓ برای تهیه نسخه اصلی، حاوی ۳۹ صفحه به همراه سوالات خودآزمایی، به سایت ایران عرضه مراجعه نمایید.



لینک های مفید آزمون استخدامی متصدی امور دفتری قوه قضاییه

خرید جزوه متصدی امور دفتری	سوالات رایگان قوه قضاییه با پاسخنامه
خرید سوالات متصدی امور دفتری	خرید سوالات کادر اداری قوه قضاییه
خرید سوالات مسئول ابلاغ و اجرا	خرید سوالات کارشناس شبکه
خرید سوالات کارشناس فناوری اطلاعات	خرید سوالات تقریر نویس
سوالات استخدامی ۱۰ سال اخیر	خرید جزوه عمومی آزمون
منابع عمومی آزمون	منابع تخصصی آزمون
اخبار آزمون	شبکه های اجتماعی ایران عرضه (فایل های رایگان + تخفیفات هفتگی + اخبار)

(برای مشاهده هر بخش روی آن بزنید )

آخرین بروزرسانی ها:

۱۴۰۴/۰۷/۲۱ تالیف مجدد محصول

فهرست مطالب

❖ فصل اول: آیین دادرسی مدنی (خلاصه) - صفحه ۴



❖ فصل اول: آیین دادرسی مدنی (خلاصه)

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹، ۰۱، ۲۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی

۱. بر اساس ماده ۱، آیین دادرسی مدنی مجموعه اصول و مقررات رسیدگی به امور حسبی و تمامی دعاوی مدنی و بازرگانی در کلیه مراجع قضایی صلاحیت‌دار است.
۲. بر اساس ماده ۱، رعایت آیین دادرسی مدنی برای دادگاههای عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجع قانونی الزامی است.
۳. طبق ماده ۲، هیچ دادگاهی بدون درخواست ذی‌نفع یا نماینده قانونی او حق ورود به رسیدگی ندارد.
۴. بر پایه ماده ۳، قاضی مکلف است مطابق قوانین به دعا رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر کند.
۵. طبق ماده ۳، در صورت سکوت، نقص، اجمال یا تعارض قوانین، قاضی باید به منابع معتبر اسلامی، فتاوی معتبر و اصول حقوقی غیرمغایر با شرع رجوع کند.
۶. بر اساس تبصره ماده ۳، اگر قاضی مجتهد قانون را خلاف شرع بداند، پرونده برای رسیدگی به شعبه دیگری ارجاع می‌شود.
۷. مطابق ماده ۴، دادگاه باید در هر دعا تعیین تکلیف خاص کند و صدور حکم کلی و عام ممنوع است.
۸. به موجب ماده ۵، آراء دادگاهها قطعی است مگر در موارد پیش‌بینی‌شده برای نقض یا تجدیدنظر در قوانین مربوط.
۹. طبق ماده ۶، قراردادهایی که محل نظم عمومی یا اخلاق حسنه و مغایر با موازین شرع باشند قابل ترتیب اثر قضایی نیستند.
۱۰. به استناد ماده ۷، رسیدگی به ماهیت دعا در مرجع بالاتر قبل از صدور حکم در مرحله نخستین ممنوع است مگر به حکم قانون.
۱۱. بر اساس ماده ۸، هیچ مقام یا سازمان دولتی حق تغییر یا جلوگیری از اجرای حکم دادگاه را ندارد مگر مرجع قضایی صادرکننده یا مرجع بالاتر در موارد مقرر قانونی.
۱۲. طبق ماده ۹، دعاوی اقامه‌شده قبل از اجرای قانون جدید مطابق همین قانون تعقیب می‌شوند.
۱۴. طبق ماده ۹، قابلیت اعتراض، تجدیدنظر و فرجام آراء تابع قانون زمان صدور رأی است مگر آن قانون خلاف شرع شناخته شود.
۱۳. بر مبنای ماده ۱۰، اصل بر صلاحیت دادگاههای عمومی و انقلاب برای رسیدگی نخستین است مگر آنکه قانون مرجع دیگری تعیین کرده باشد.
۱۴. مطابق ماده ۱۱، دعا در دادگاه محل اقامتگاه خوانده اقامه می‌شود و استثنائات مربوط به محل سکونت موقت، مال غیرمنقول یا اقامتگاه خواهان پیش‌بینی شده است.
۱۵. طبق تبصره ماده ۱۱، حوزه قضایی قلمرو یک بخش یا شهرستان است و تقسیمات داخلی مانند مجتمع یا ناحیه در صلاحیت عام دادگاه تأثیر ندارد.

۱۶. بر اساس ماده ۱۲، تمامی دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول در دادگاه محل وقوع مال طرح می‌شود حتی اگر خوانده در آن حوزه مقیم نباشد.

۱۷. طبق ماده ۱۳، در دعاوی بازرگانی و منقول ناشی از قرارداد، خواهان می‌تواند به دادگاه محل انعقاد قرارداد یا محل اجرای تعهد رجوع کند.

۱۸. مطابق ماده ۱۴، درخواست تأمین دلایل و امارات در دادگاه محل وجود آن دلایل و امارات مطرح می‌شود.

۱۹. طبق ماده ۱۵، اگر دعوا هم منقول و هم غیرمنقول باشد و منشأ واحد داشته باشد، دعوا در محل وقوع مال غیرمنقول اقامه می‌شود.

۲۰. به موجب ماده ۱۶، در تعدد خواندگان یا اموال غیرمنقول در حوزه‌های مختلف، خواهان مختار است به هر یک از دادگاه‌های مربوط مراجعه کند.

۲۱. بر اساس ماده ۱۷، دعوایی که در ضمن دعاوی دیگر طرح شود و مرتبط یا دارای منشأ واحد باشد دعاوی طاری است و در همان دادگاه دعاوی اصلی اقامه می‌شود.

۲۲. مطابق ماده ۱۸، ادعاهای دفاعی مانند تهاتر یا احتساب دعاوی طاری محسوب نمی‌شوند.

۲۳. بر پایه ماده ۱۹، اگر رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی در صلاحیت دادگاه دیگر باشد، رسیدگی متوقف و خواهان مکلف به طرح دعوا ظرف یک ماه در مرجع صالح است.

۲۴. به موجب ماده ۲۰، دعاوی مربوط به ترکه تا زمان تقسیم، در محل آخرین اقامتگاه یا آخرین محل سکونت متوفی در ایران اقامه می‌شود.

۲۵. مطابق ماده ۲۱، دعاوی توقف یا ورشکستگی در محل اقامت متوقف یا محل شعبه یا نمایندگی او در ایران مطرح می‌شود.

۲۶. بر اساس ماده ۲۲، دعاوی مرتبط با شرکت بازرگانی تا پایان تصفیه در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود.

۲۷. طبق ماده ۲۳، دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در برابر اشخاص ثالث در محل وقوع تعهد، محل تسلیم کالا یا محل پرداخت وجه اقامه می‌شود و دعاوی ناشی از هر شعبه در محل همان شعبه طرح می‌گردد.

۲۸. مطابق ماده ۲۴، رسیدگی به دعاوی اعسار اصولاً با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی نخستین به دعاوی اصلی را دارد یا ابتدا رسیدگی کرده است.

۲۹. به موجب ماده ۲۵، در اسناد ثبت احوال تنظیمی در ایران با ذی‌نفع مقیم خارج، صلاحیت با دادگاه محل صدور سند است و در صورت عدم امکان، دادگاه عمومی تهران صالح است.

۳۰. طبق ماده ۲۶، تشخیص صلاحیت با دادگاه مرجوع‌الیه است و ملاک صلاحیت تاریخ تقدیم دادخواست است مگر حکم خلاف.

۳۱. بر اساس ماده ۲۷، در صورت عدم صلاحیت، دادگاه قرار عدم صلاحیت صادر و پرونده را به مرجع صالح می‌فرستد و مرجع مرجوع‌الیه باید فوراً اظهار نظر کند.

۳۲. مطابق ماده ۲۷، در اختلاف بر سر صلاحیت بین دو دادگاه یک استان، دادگاه تجدیدنظر استان مرجع حل اختلاف است و رأی آن لازم‌الاتباع است.

۳۳. طبق تبصره ماده ۲۷، اختلاف صلاحیت بین استان‌ها توسط دیوان عالی کشور حل می‌شود.

۳۴. بر مبنای ماده ۲۸، اختلاف صلاحیت میان دادگاه‌های عمومی، انقلاب و نظامی یا با مراجع غیرقضایی توسط دیوان عالی کشور حل می‌شود و رأی آن لازم‌الاتباع است.

۳۵. مطابق ماده ۲۹، رسیدگی به قرارهای عدم صلاحیت در تجدیدنظر استان و دیوان عالی خارج از نوبت است.

۳۶. به موجب ماده ۳۰، در اختلاف صلاحیت بین دیوان عالی، تجدیدنظر و بدوی، نظر مرجع عالی لازم‌الاتباع خواهد بود.

۳۷. بر اساس ماده ۳۱، هر یک از اصحاب دعوا می‌توانند حداکثر دو وکیل معرفی کنند.

۳۸. طبق ماده ۳۲، دستگاه‌های دولتی و عمومی می‌توانند علاوه بر وکیل دادگستری از نماینده حقوقی واجد شرایط استفاده کنند.

۳۹. به موجب ماده ۳۳، وکلای طرفین باید شرایط قانونی وکالت را مطابق قوانین مرتبط داشته باشند.

۴۰. طبق ماده ۳۴، وکالت می‌تواند رسمی یا غیررسمی باشد و در صورت غیررسمی، وکیل صحت امضا یا اثر انگشت موکل را تأیید می‌کند.

۴۱. مطابق ماده ۳۴، وکالت خارج از کشور باید به گواهی مأموران سیاسی یا کنسولی ایران برسد و در جلسه دادرسی می‌تواند در صورتجلسه درج شود.

۴۲. به موجب ماده ۳۵، اصل بر شمول اختیارات وکیل در دادرسی است مگر مواردی که باید در وکالت‌نامه تصریح شود.

۴۳. طبق ماده ۳۵، اختیارات خاص مانند تجدیدنظرخواهی، مصالحه، ادعای جعل، داور، توکیل، کارشناسی، دعوای خسارت، ورود ثالث و اعسار باید صریحاً ذکر شود.

۴۴. مطابق تبصره ۱ ماده ۳۵، اشاره صرف به شماره بندها بدون ذکر موضوع، تصریح محسوب نمی‌شود.

طبق تبصره ۲ ماده ۳۵، سوگند، شهادت، اقرار، لعان و ایلاء قابل توکیل نیستند.

۴۵. بر اساس ماده ۳۶، حق پیگیری اجرا، اخذ محکوم‌به یا وجوه ایداعی توسط وکیل نیازمند تصریح در وکالت‌نامه است.

۴۶. مطابق ماده ۳۷، عزل وکیل باید به دادگاه و وکیل اعلام شود و عزل مانع جریان دادرسی نیست.

۴۷. طبق ماده ۳۸، اقدامات وکیل تا زمان اطلاع از عزل در حدود وکالت مؤثر است و پس از اطلاع، دادگاه او را وکیل نمی‌شناسد.

۴۸. به موجب ماده ۳۹، استعفای وکیل موجب اخطار به موکل برای معرفی وکیل جدید یا پیگیری شخصی و توقف حداکثر یک‌ماهه دادرسی می‌شود.

۴۹. مطابق ماده ۴۰، فوت، استعفا، عزل، ممنوعیت یا بازداشت وکیل در صورت عدم نیاز به توضیح موجب تأخیر دادرسی نمی‌شود.

۵۰. بر اساس ماده ۴۱، وکلا مکلف به حضور در محاکمه‌اند مگر عذر موجه که باید کتبی اعلام و مورد پذیرش دادگاه قرار گیرد.
۵۱. مطابق ماده ۴۱، فوت بستگان نزدیک، بیماری مانع حرکت، حوادث قهری و وقایع خارج از اختیار از مصادیق عذر موجه وکیل است.
۵۲. طبق ماده ۴۲، در تعارض حضور همزمان وکیل در چند دادگاه، حضور در مرجعی که قانوناً الزامی است مقدم خواهد بود.
۵۳. بر پایه ماده ۴۳، عزل یا استعفا یا تعیین وکیل جدید نباید موجب تجدید جلسه شود وگرنه دادگاه به این علت جلسه را تجدید نمی‌کند.
۵۴. مطابق ماده ۴۴، در وکالت مشترک بدون حق اقدام منفرد، حضور یکی با لایحه دیگری برای رسیدگی کافی است و عدم وصول لایحه مانع ادامه رسیدگی نیست.
۵۵. طبق ماده ۴۵، در صورت استعفای وکیلی که حق اقدام در مرحله بالاتر دارد، رأی باید به موکل ابلاغ شود و مبدأ مهلت‌ها از ابلاغ به وکیل یا اثبات بی‌اطلاعی موکل تعیین می‌شود.
۵۶. به موجب ماده ۴۶، ابلاغ دادنامه به وکیلی که حق دادرسی در مرجع بالاتر ندارد و مجاز به توکیل هم نیست معتبر نیست.
۵۷. مطابق ماده ۴۷، فوت یا ممنوعیت یا قوه قهریه برای وکیل پس از ابلاغ رأی، مبدأ مهلت اعتراض را از تاریخ ابلاغ به موکل قرار می‌دهد.
۵۸. بر اساس ماده ۴۸، شروع رسیدگی در دادگاه منوط به تقدیم دادخواست به دفتر دادگاه صالح است.
۵۹. مطابق ماده ۴۹، ثبت فوری دادخواست، صدور رسید و قید تاریخ تسلیم الزامی است و همان تاریخ، تاریخ اقامه دعوا محسوب می‌شود.
۶۰. طبق ماده ۵۰، در دادگاه‌های دارای شعب متعدد، ارجاع دادخواست باید فوراً به نظر رئیس شعبه اول برسد.
۶۱. بر مبنای ماده ۵۱، دادخواست باید به زبان فارسی روی برگ چاپی و مشتمل بر مشخصات طرفین، خواسته، جهات ادعا، ادله و امضا باشد.
۶۲. مطابق ماده ۵۲، اگر اصحاب دعوا دارای سمت‌های قیمومت، وصایت یا مدیریت باشند، تصریح سمت در دادخواست الزامی است.
۶۳. به موجب ماده ۵۳، دادخواست با نقص تمبر یا فقدان شرایط شکلی پذیرفته می‌شود ولی برای جریان، باید نواقص طبق قانون تکمیل گردد.
۶۴. مطابق ماده ۵۴، مهلت رفع نقص دادخواست ده روز از تاریخ ابلاغ اخطار دفتر است و در صورت عدم رفع، قرار رد دادخواست صادر می‌شود.

۶۵. طبق ماده ۵۵، عدم تأدیه هزینه آگهی ظرف یک ماه از ابلاغ موجب رد دادخواست است مگر در فرض اعسار که مهلت از ابلاغ حکم رد اعسار محاسبه می‌شود.
۶۶. به موجب ماده ۵۶، مجهول بودن خواهان یا اقامتگاه او موجب صدور قرار رد دادخواست توسط مدیر دفتر در مهلت دو روز می‌گردد.
۶۷. مطابق ماده ۵۷، پیوست نمودن رونوشت یا تصویر مصدق اسناد به دادخواست الزامی است و مراجع مجاز برای گواهی مطابقت مشخص شده‌اند.
۶۸. طبق ماده ۵۸، اسناد غیر فارسی باید با ترجمه گواهی‌شده ضمیمه شوند و مترجمان رسمی یا مراجع کنسولی صحت ترجمه را گواهی می‌کنند.
۶۹. بر اساس ماده ۵۹، اثبات سمت نماینده قانونی، ولی، قیم یا وکیل با پیوست سند مثبت سمت در هنگام تقدیم دادخواست ضروری است.
۷۰. مطابق ماده ۶۰، تعداد نسخ دادخواست و پیوست‌ها باید برابر با تعداد خواندگان به اضافه یک نسخه باشد.
۷۱. به موجب ماده ۶۱، بهای خواسته برای هزینه دادرسی و قابلیت تجدیدنظر همان مبلغ مندرج در دادخواست است مگر حکم قانون مخالف باشد.
۷۲. طبق ماده ۶۲ بند ۱، بهای خواسته پولی معادل مبلغ مطالبه‌شده است و در ارز خارجی بر اساس نرخ رسمی بانک مرکزی در تاریخ تقدیم دادخواست تعیین می‌شود.
۷۳. طبق ماده ۶۴، پس از تکمیل پرونده، دادگاه دستور تعیین وقت می‌دهد و فاصله ابلاغ تا جلسه نباید کمتر از پنج روز باشد.
۷۴. مطابق ماده ۶۴، در ابلاغ به خارج از کشور فاصله ابلاغ تا جلسه کمتر از دو ماه نخواهد بود.
۷۵. به موجب ماده ۶۵، دعاوی متعدد بدون ارتباط کامل قابل تفکیک بوده و دادگاه نسبت به صلاحیت خود رسیدگی یا قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند.
۷۶. طبق ماده ۶۶، در نقص دادخواست و عدم امکان رسیدگی، دادگاه جهات نقص را اخطار و در صورت عدم رفع در ده روز، قرار رد دادخواست صادر می‌کند.
۷۷. مطابق ماده ۶۷، نسخه‌ای از دادخواست در پرونده بایگانی و نسخه دیگر با اخطاریه برای ابلاغ به خواننده ارسال می‌شود.
۷۸. به موجب ماده ۶۸، مأمور ابلاغ موظف است ظرف دو روز اوراق را به شخص خواننده تسلیم و رسید اخذ کند و امتناع خواننده را در اخطاریه قید نماید.
۷۹. مطابق ماده ۶۹، در عدم دسترسی به شخص خواننده، ابلاغ به بستگان یا خدمه واجد تشخیص اهمیت اوراق با قید مشخصات معتبر است.

۸۰. طبق ماده ۷۰، در استتکاف یا عدم حضور اشخاص موضوع ماده ۶۹، الصاق اخطاریه در نشانی کافی و خوانده می‌تواند تا جلسه به دفتر مراجعه و اوراق را دریافت کند.

۸۱. به موجب ماده ۷۱، ابلاغ خارج از کشور توسط مأموران سیاسی یا کنسولی ایران و از طریق وزارت امور خارجه صورت می‌گیرد.

۸۲. مطابق ماده ۷۲، در نشانی نامعتبر یا تغییر نشانی بدون دسترسی، اوراق اعاده و مطابق ماده ۵۴ رفتار می‌شود مگر اقامتگاه قانونی وفق ماده ۱۰۱۰ قانون مدنی تعیین شده باشد.

۸۳. طبق ماده ۷۳، در عدم امکان تعیین نشانی خوانده، مفاد دادخواست یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی و فاصله انتشار تا جلسه حداقل یک ماه است.

۸۴. مطابق ماده ۷۵، در دعاوی علیه ادارات و نهادهای دولتی، ابلاغ به رئیس دفتر یا قائم‌مقام صورت می‌گیرد و استتکاف از ابلاغ تخلف اداری است.

۸۵. به موجب ماده ۷۶، ابلاغ به اشخاص حقوقی غیردولتی به مدیر، قائم‌مقام یا دارندگان امضا و در صورت عدم امکان به مسئول دفتر انجام می‌شود.

۸۶. مطابق ماده ۷۷، ابلاغ در حوزه دیگر توسط دفتر آن دادگاه یا مأموران انتظامی یا بخشداری یا پست انجام و در زندان‌ها توسط اداره زندان ابلاغ می‌شود.

۸۷. طبق ماده ۷۸، طرفین می‌توانند محل انتخابی برای ابلاغ در شهر مقر دادگاه معرفی کنند و ابلاغ‌ها به همان محل انجام می‌شود.

۸۸. مطابق ماده ۷۹، تغییر نشانی باید فوراً اعلام شود و تا اعلام، ابلاغ به نشانی قبلی معتبر است.

۸۹. به موجب ماده ۸۰، تغییر موقت محل اقامت، محل ابلاغ محسوب نمی‌شود مگر تغییر واقعی اقامتگاه وفق قانون مدنی احراز شود.

۹۰. طبق ماده ۸۱، تاریخ و وقت جلسه باید به خواهان نیز ابلاغ شود و امتناع خوانده از گرفتن اوراق، تاریخ ابلاغ محسوب می‌شود.

۹۱. مطابق ماده ۸۲، مأمور ابلاغ باید نام و مشخصات خود، هویت گیرنده، سمت وی و تاریخ و محل ابلاغ را دقیقاً قید و امضا کند.

۹۲. به موجب ماده ۸۳، ابلاغ به غیر شخص مخاطب زمانی معتبر است که دادگاه احراز کند اوراق به اطلاع مخاطب رسیده است.

۹۳. طبق ماده ۸۴، خوانده می‌تواند تا انتهای جلسه اول به ایرادات صلاحیتی، امر مختومه، عدم اهلیت، عدم توجه دعوا، عدم احراز سمت نماینده، فقدان اثر قانونی، نامشروع بودن مورد، ظنی بودن دعوا، عدم نفع و عدم رعایت مواعد استناد کند.

۹۴. مطابق ماده ۸۵، خواهان حق اعتراض به سمت پاسخ‌دهنده به عنوان وکیل یا ولی یا قیم در صورت عدم احراز سمت را دارد.

۹۵. به موجب ماده ۸۶، خوانده مجبور می‌تواند از پاسخ ماهوی امتناع کند.

۹۶. طبق ماده ۸۷، ایرادات و اعتراضات باید تا پایان جلسه اول مطرح شوند مگر اینکه سبب ایراد متعاقباً حادث شود.

۹۷. مطابق ماده ۸۸، دادگاه پیش از ورود در ماهیت درباره ایرادات تصمیم می‌گیرد و در رد ایراد وارد ماهیت می‌شود.

۹۸. طبق ماده ۸۹، در عدم صلاحیت دادگاه، قرار عدم صلاحیت صادر می‌شود و در طرح موازی دعوا، پرونده به دادگاه در حال رسیدگی ارسال و در سایر موارد ماده ۸۴ قرار رد دعوا صادر می‌شود.

۹۹. بر اساس ماده ۹۰، در عدم طرح ایراد تا پایان جلسه اول، دادگاه تکلیفی به صدور رأی جداگانه درباره ایراد ندارد.

۱۰۰. مطابق ماده ۹۱، موارد رد دادرسی شامل قرابت تا درجه سوم، رابطه قیمومت یا مخدومی، وراثت، اظهارنظر قبلی، دعوای متقابل حقوقی/جزایی و نفع شخصی دادرسی یا بستگان او است.

۱۰۱. طبق ماده ۹۲، در موارد رد، دادرسی قرار امتناع صادر و پرونده به دادرسان دیگر یا نزدیک‌ترین دادگاه هم‌عرض ارجاع می‌شود.

۱۰۲. به موجب ماده ۹۳، اصحاب دعوا می‌توانند شخصاً حاضر شوند یا لایحه ارسال کنند.

۱۰۳. مطابق ماده ۹۴، معرفی وکیل به جای اصحاب دعوا ممکن است ولی در صورت لزوم حضور شخصی، این الزام در اختاریه قید می‌شود.

۱۰۴. طبق ماده ۹۵، عدم حضور طرفین مانع رسیدگی نیست و در عدم امکان صدور رأی بدون اخذ توضیح از خواهان، دادخواست ابطال می‌شود.

۱۰۵. مطابق ماده ۹۶، طرفین باید اصل اسناد مورد استناد را در جلسه ارائه کنند و در صورت عذر، ارسال توسط وکیل یا نماینده الزامی است.

۱۰۶. طبق ماده ۹۷، در طرح دلایل جدید خوانده تا پایان جلسه اول که دفاع از آن بدون ارائه سند جدید ممکن نیست، به خواهان مهلت مناسب داده می‌شود.

۱۰۷. مطابق ماده ۹۸، کاهش خواسته در تمام مراحل مجاز است ولی افزایش یا تغییر دعوا باید مرتبط و دارای منشأ واحد باشد و تا پایان جلسه اول اعلام شود.

۱۰۸. طبق ماده ۹۹، دادگاه می‌تواند به درخواست و رضایت طرفین فقط یک‌بار جلسه را به تأخیر اندازد.

۱۰۹. مطابق ماده ۱۰۰، در عدم تشکیل جلسه، نزدیک‌ترین وقت ممکن تعیین و در عدم انتساب به طرفین، حداکثر ظرف دو ماه وقت داده می‌شود.

۱۱۰. به موجب ماده ۱۰۱، دادگاه می‌تواند نظم جلسه را با اخراج یا حبس کوتاه‌مدت ناقضان نظم تضمین کند و برای اصحاب دعوا یا وکلا مجازات بیشتری مقرر است.

۱۱۱. طبق ماده ۱۰۲، در موارد اقرار، استفاده از اظهارات طرف مقابل یا لزوم قضایی، عین اظهارات در صورتجلسه نوشته می‌شود.

۱۱۲. مطابق ماده ۱۰۳، دعاوی مرتبط کامل در یکجا رسیدگی می‌شوند و در چند شعبه با تصمیم رئیس شعبه اول تجمیع صورت می‌گیرد.

۱۱۳. طبق ماده ۱۰۴، لزوم جلسه بعد باید مستند و در ذیل صورتجلسه با تعیین وقت ابلاغ شود و در دعاوی قابل تجزیه، دادگاه می‌تواند نسبت به بخشی رأی دهد.

۱۱۴. به موجب ماده ۱۰۵، فوت، حجر یا زوال سمت یکی از طرفین موجب توقف موقت دادرسی است مگر تأثیری بر سایرین نداشته باشد.

۱۱۵. مطابق ماده ۱۰۶، توقیف یا زندانی شدن یا مأموریت ضروری طرف دعوا موجب توقف دادرسی نیست و دادگاه برای تعیین وکیل مهلت می‌دهد.

۱۱۶. طبق ماده ۱۰۷ بند الف، استرداد دادخواست تا اولین جلسه موجب صدور قرار ابطال دادخواست است.

۱۱۷. به موجب ماده ۱۰۷ بند ج، استرداد دعوا پس از ختم مذاکرات منوط به رضایت خوانده یا صرف‌نظر کلی خواهان است و در این فرض قرار سقوط دعوا صادر می‌شود.

۱۱۸. بر اساس ماده ۱۰۸، خواهان می‌تواند قبل از دادخواست، ضمن دادخواست یا تا پیش از قطعیت حکم، در موارد احصاشده، تقاضای تأمین خواسته کند و دادگاه مکلف به پذیرش است.

۱۱۹. طبق ماده ۱۰۸ بند «الف»، اگر دعوا مستند به سند رسمی باشد، دادگاه الزاماً تأمین خواسته را می‌پذیرد.

۱۲۰. مطابق تبصره ماده ۱۰۸، تعیین میزان خسارت احتمالی با توجه به میزان خواسته به نظر دادگاه رسیدگی‌کننده است.

۱۲۱. طبق ماده ۱۰۹، خوانده می‌تواند برای تأمین خسارت احتمالی هزینه دادرسی و حق‌الوکاله از دادگاه تقاضای تأمین کند و در صورت صدور قرار، دادرسی تا سپردن تأمین متوقف می‌شود.

۱۲۲. مطابق تبصره ماده ۱۰۹، اگر غرض‌ورزی یا تأخیر در انجام تعهد از سوی خواهان محرز شود، دادگاه او را به پرداخت سه برابر هزینه دادرسی به نفع دولت محکوم می‌کند.

۱۲۳. طبق ماده ۱۱۰، در دعاوی مستند به چک، سفته، برات، اسناد رسمی و دعاوی علیه متوقف، خوانده حق درخواست تأمین خسارت احتمالی ندارد.

۱۲۴. بر اساس ماده ۱۱۱، درخواست تأمین باید از دادگاهی شود که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد.

۱۲۵. طبق ماده ۱۱۲، اگر درخواست‌کننده تأمین ظرف ده روز از قرار تأمین دادخواست اصل دعوا را ندهد، دادگاه به درخواست خوانده قرار تأمین را لغو می‌کند.

۱۲۶. مطابق ماده ۱۱۳، پذیرش تأمین منوط به معلوم بودن میزان خواسته یا عین معین بودن آن است.

۱۲۷. طبق ماده ۱۱۴، برای طلب یا مال مؤجل مستند به سند رسمی و در معرض تضییع، می‌توان درخواست تأمین نمود.

۱۲۸. بر پایه ماده ۱۱۵، دادگاه درباره درخواست تأمین بدون اخطار به طرف مقابل رسیدگی و قرار قبولی یا رد صادر می‌کند.
۱۲۹. مطابق ماده ۱۱۶، قرار تأمین به طرف ابلاغ می‌شود و طرف ظرف ده روز حق اعتراض دارد تا در اولین جلسه رسیدگی تعیین تکلیف شود.
۱۳۰. طبق ماده ۱۱۷، قرار تأمین فوری ابلاغ و پس از آن اجرا می‌شود و در فوریت بیم تضییع، ابتدا اجرا و سپس ابلاغ می‌گردد.
۱۳۱. بر اساس ماده ۱۱۸، با زوال سبب تأمین، دادگاه قرار رفع تأمین می‌دهد و با حکم قطعی علیه خواهان یا استرداد دعوا، تأمین خودبه‌خود مرتفع می‌شود.
۱۳۲. طبق ماده ۱۱۹، قرار قبول یا رد تأمین قابل تجدیدنظرخواهی نیست.
۱۳۳. مطابق ماده ۱۲۰، اگر قرار تأمین اجرا شود و نهایتاً دعوای خواهان به طور قطعی باطل یا بی‌حق تشخیص شود، خوانده می‌تواند ظرف ۲۰ روز خسارت ناشی از تأمین را بدون تشریفات مطالبه کند.
۱۳۴. بر پایه ماده ۱۲۱، تأمین در این قانون به معنای توقیف اموال منقول و غیرمنقول است.
۱۳۵. طبق ماده ۱۲۲، اگر خواسته عین معین و قابل توقیف باشد، دادگاه حق توقیف مال دیگری به جای آن را ندارد.
۱۳۶. مطابق ماده ۱۲۳، در غیرقابل توقیف بودن عین خواسته یا غیرمعین بودن آن، دادگاه معادل قیمت خواسته از اموال خوانده را توقیف می‌کند.
۱۳۷. طبق ماده ۱۲۴، خوانده می‌تواند به جای مال توقیفی وجه نقد یا اوراق بهادار معادل آن تودیع و یا تبدیل مال توقیفی به مال هم‌ارزش و سهل‌الفروش را تقاضا کند.
۱۳۸. بر اساس ماده ۱۲۵، درخواست تبدیل تأمین از دادگاه صادرکننده قرار به عمل می‌آید و دادگاه ظرف دو روز تصمیم می‌گیرد.
۱۳۹. مطابق ماده ۱۲۶، تشریفات توقیف، صورت‌برداری، ارزیابی و حفظ اموال و توقیف حقوق استخدامی تابع قانون اجرای احکام مدنی است.
۱۴۰. طبق ماده ۱۲۷، از محصول املاک و باغ‌ها تا دو سوم سهم خوانده توقیف می‌شود و در صورت فسادپذیری، فروش فوری با نظارت دادگاه انجام می‌گیرد.
۱۴۱. بر پایه ماده ۱۲۸، در ورشکستگی، متقاضی تأمین نسبت به عین توقیف‌شده که موضوع ادعای اوست بر سایر طلبکاران حق تقدم دارد.
۱۴۲. مطابق ماده ۱۲۹، در فروش اموال ناشی از تأمین، رعایت مقررات مستثنیات دین الزامی است.
۱۴۳. طبق ماده ۱۳۰، شخص ثالثی که برای خود حقی در موضوع دعوا قائل است یا در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع می‌داند، تا ختم دادرسی می‌تواند با دادخواست وارد دعوا شود.
۱۴۴. بر اساس ماده ۱۳۱، دادخواست ورود ثالث باید واجد شرایط دادخواست اصلی و به تعداد اصحاب دعوا به‌علاوه یک نسخه باشد.

۱۴۵. مطابق ماده ۱۳۲، پس از وصول دادخواست ورود ثالث، وقت رسیدگی به او نیز ابلاغ و در نبود وقت کافی جلسه تغییر و به اصحاب دعوا اعلام می‌شود.
۱۴۶. طبق ماده ۱۳۳، اگر دادگاه ورود ثالث را تبانی یا موجب تأخیر بداند یا ارتباطی با اصل نداشته باشد، آن را تفکیک و جداگانه رسیدگی می‌کند.
۱۴۷. بر پایه ماده ۱۳۴، رد یا ابطال دادخواست ثالث مانع ورود او در تجدیدنظر نیست و تشریفات تابع مرحله مربوطه است.
۱۴۸. مطابق ماده ۱۳۵، هر یک از اصحاب دعوا می‌تواند تا پایان جلسه اول، با دادخواست سه‌روزه پس از طرح جهات، تقاضای جلب شخص ثالث کند.
۱۴۹. طبق ماده ۱۳۶، محکوم‌علیه غیابی باید دادخواست جلب ثالث را همزمان با واخواهی تقدیم کند و معترض‌علیه نیز می‌تواند تا سه روز پس از اولین جلسه اعتراض، جلب ثالث را بخواهد.
۱۵۰. بر اساس ماده ۱۳۷، دادخواست جلب ثالث از حیث شرایط، ابلاغ و موارد رد یا ابطال تابع قواعد دادخواست اصلی است.
۱۵۱. مطابق ماده ۱۳۸، در نبود مهلت کافی تا جلسه، دادگاه وقت را تغییر و به طرفین ابلاغ می‌کند.
۱۵۲. طبق ماده ۱۳۹، شخص جلب‌شده خوانده محسوب می‌شود و همه مقررات مربوط به خوانده درباره او جاری است و در صورت قصد تأخیر، دعوای جلب تفکیک می‌شود.
۱۵۳. بر پایه ماده ۱۴۰، قرار رد دادخواست جلب ثالث با حکم اصل دعوا قابل تجدیدنظر است و در صورت فسخ در تجدیدنظر، رسیدگی توأمان در همان مرجع انجام می‌شود.
۱۵۴. مطابق ماده ۱۴۱، خوانده می‌تواند دعوای متقابل طرح کند و در صورت منشأ واحد یا ارتباط کامل، توأمان رسیدگی می‌شود.
۱۵۵. طبق ماده ۱۴۲، دعوای متقابل باید با دادخواست اقامه شود و دفاع‌هایی مانند تهاتر، صلح، فسخ و رد خواسته دعوای متقابل محسوب نمی‌شوند.
۱۵۶. بر اساس ماده ۱۴۳، دادخواست متقابل باید تا پایان جلسه اول تقدیم شود و در صورت طرح در جلسه، خوانده می‌تواند تقاضای تأخیر برای پاسخ و دلیل کند.
۱۵۷. طبق ماده ۱۴۴، اتباع خارجی خواهان یا ثالث به درخواست طرف ایرانی، باید برای هزینه دادرسی و حق‌الوکاله تأمین بسپارند و این درخواست فقط تا پایان جلسه اول پذیرفته می‌شود.
۱۵۸. مطابق ماده ۱۴۵، اتباع بیگانه در موارد معافیت متقابل، دعوای برات و سفته و چک، دعوای متقابل، دعوای مستند به سند رسمی و دعوای ناشی از آگهی رسمی از تأمین معاف‌اند.
۱۵۹. بر پایه ماده ۱۴۶، اگر در اثنای دادرسی تابعیت خارجی خواهان یا زوال سبب معافیت آشکار شود، خوانده ایرانی می‌تواند تأمین مطالبه کند.

۱۶۰. طبق ماده ۱۴۷، دادگاه درباره درخواست تأمین اتباع بیگانه رسیدگی و مقدار و مهلت را تعیین و تا تودیع تأمین دادرسی را متوقف می‌کند.
۱۶۱. مطابق ماده ۱۴۸، اگر میزان تأمین کافی نباشد دادگاه مقدار کافی را تعیین می‌کند و در صورت امتناع، مطابق ماده ۱۴۷ رفتار می‌شود.
۱۶۲. بر اساس ماده ۱۴۹، تأمین دلیل برای حفظ و صورت‌برداری از دلایل در معرض تعذر یا تعسر در آینده به درخواست ذی‌نفع انجام می‌شود.
۱۶۳. طبق ماده ۱۵۰، درخواست تأمین دلیل می‌تواند قبل از دعوا یا حین دادرسی مطرح شود.
۱۶۴. مطابق ماده ۱۵۱، درخواست تأمین دلیل باید مشتمل بر مشخصات طرفین، موضوع دعوا و اوضاع و احوال موّجه درخواست باشد.
۱۶۵. بر پایه ماده ۱۵۲، احضار طرف مقابل در تأمین دلیل اصل است اما در فوریت، دادگاه بدون احضار اقدام می‌کند.
۱۶۶. طبق ماده ۱۵۳، ارجاع تأمین دلیل به دادرس علی‌البدل یا مدیر دفتر ممکن است مگر زمانی که مبنای حکم باشد که قاضی باید شخصاً اقدام یا گزارش و وثوق‌دار داشته باشد.
۱۶۷. مطابق ماده ۱۵۴، در صورت مجهول بودن طرف مقابل، تأمین دلیل بدون تعیین طرف پذیرفته می‌شود.
۱۶۸. بر اساس ماده ۱۵۵، تأمین دلیل صرفاً برای حفظ آن است و ارزش‌گذاری نهایی با دادگاه رسیدگی‌کننده خواهد بود.
۱۶۹. طبق ماده ۱۵۶، هرکس می‌تواند قبل از دادخواست، حق خود را با اظهارنامه رسمی مطالبه کند مشروط به حلول موعد مطالبه.
۱۷۰. طبق ماده ۱۵۷، اگر اظهارنامه متضمن تسلیم مال یا وجه یا سند باشد، باید همزمان تحت نظر مرجع ابلاغ سپرده شود مگر محل و ترتیب دیگری توافق شده باشد.
۱۷۱. مطابق ماده ۱۵۸، دعوای تصرف عدوانی ادعای متصرف سابق است به خروج مال غیرمنقول از ید او بدون رضایت و درخواست اعاده تصرف.
۱۷۲. طبق ماده ۱۵۹، دعوای ممانعت از حق، تقاضای رفع ممانعت از حق ارتفاق یا انتفاع در ملک غیر است.
۱۷۳. بر اساس ماده ۱۶۰، دعوای مزاحمت، تقاضای جلوگیری از مزاحمت نسبت به متصرفات غیرمنقول بدون خروج مال از تصرف است.
۱۷۴. طبق ماده ۱۶۱، خواهان دعوای تصرف باید سبق تصرف یا استفاده و خروج آن بدون رضایت یا غیرقانونی را ثابت کند.
۱۷۵. مطابق ماده ۱۶۲، ارائه سند مالکیت قرینه بر سبق تصرف یا استفاده است مگر طرف مقابل سبق تصرف خود را به نحو دیگر ثابت کند.
۱۷۶. بر پایه ماده ۱۶۳، کسی که دعوای مالکیت یا اصل حق ارتفاق و انتفاع مطرح کرده، نمی‌تواند همزمان دعوای تصرف عدوانی یا ممانعت از حق طرح کند.

۱۷۷. طبق ماده ۱۶۴، در صورت احداث بنا یا غرس پس از تصرف عدوانی، بقا منوط به ادعای مالکیت متصرف و تقدیم دادخواست مالکیت ظرف یک ماه از اجرای حکم است.

۱۷۸. مطابق ماده ۱۶۵، در زراعت ملک مورد حکم تصرف عدوانی، تکلیف برداشت، اجرت‌المثل، بهای زراعت یا قلع کشت با رعایت حقوق صاحب بذر تعیین شده است.

۱۷۹. بر اساس تبصره ماده ۱۶۵، بنا به درخواست محکوم‌له، متصرف عدوانی به پرداخت اجرت‌المثل ایام تصرف نیز محکوم می‌شود.

۱۸۰. طبق ماده ۱۶۶، در مشاهده مستقیم تصرف عدوانی، مزاحمت یا ممانعت از حق توسط ضابطین، آنان مکلف به حفظ وضع موجود و جلوگیری از اقدامات بعدی و اعلام به مرجع قضایی هستند.

۱۸۱. بر پایه ماده ۱۶۷، تصرف یا استفاده مشترک در غیرمنقول و ممانعت یا مزاحمت برخی نسبت به برخی دیگر، مشمول مقررات دعاوی تصرف است.

۱۸۲. طبق ماده ۱۶۸، دعاوی قطع انشعابات و تجهیزات استفاده‌شونده در اموال غیرمنقول تابع مقررات این فصل است مگر اقدامات با مجوز قانونی یا قرارداد باشد.

۱۸۳. مطابق ماده ۱۶۹، ثالث ذی‌نفع تا ختم رسیدگی بدوی یا تجدیدنظر می‌تواند در دعاوی تصرف وارد شود و دادگاه حکم مقتضی صادر می‌کند.

۱۸۴. بر اساس ماده ۱۷۰، متصرفین به نمایندگی مالک مانند مستأجر، مباشر و خادم می‌توانند به قائم‌مقامی مالک طرح شکایت تصرف کنند.

۱۸۵. طبق ماده ۱۷۱، امین مانند سرایدار اگر ظرف ده روز از ابلاغ اظهارنامه مالک رفع تصرف نکند، متصرف عدوانی محسوب می‌شود مگر در عقود و موارد مستثنا.

۱۸۶. بر پایه ماده ۱۷۲، در مواجهه با تردید، انکار یا جعل نسبت به سند مؤثر در دعاوی تصرف، مرجع رسیدگی‌کننده به اصالت سند نیز رسیدگی می‌کند.

۱۸۷. طبق ماده ۱۷۳، دعاوی تصرف علیه دستگاه‌های دولتی نیز تابع همین مقررات است.

۱۸۸. مطابق ماده ۱۷۴، دادگاه در صورت احراز عدوان، مزاحمت یا ممانعت رأی به نفع خواهان می‌دهد و می‌تواند دستور موقت برای جلوگیری از ایجاد آثار تصرف یا ادامه مزاحمت صادر کند.

۱۸۹. بر اساس ماده ۱۷۵، احکام رفع تصرف یا مزاحمت فوراً اجرا می‌شود و تجدیدنظر مانع اجرا نیست و در صورت فسخ، وضعیت به حالت قبل اعاده می‌گردد.

۱۹۰. طبق ماده ۱۷۶، اعاده تصرف عدوانی یا مزاحمت مجدد پس از اجرای حکم، موجب مجازات طبق قانون مجازات اسلامی است.

۱۹۱. مطابق ماده ۱۷۷، رسیدگی به دعاوی تصرف خارج از نوبت و بدون تشریفات آیین دادرسی انجام می‌شود.

۱۹۲. بر اساس ماده ۱۷۸، طرفین می‌توانند در هر مرحله از دادرسی دعوا را از طریق سازش خاتمه دهند.
۱۹۳. طبق ماده ۱۷۹، در تعدد اصحاب دعوا، هر کدام می‌توانند جداگانه با طرف خود سازش کنند.
۱۹۴. مطابق ماده ۱۸۰، سازش ممکن است در دفتر اسناد رسمی، در دادگاه یا خارج از دادگاه با سند غیررسمی واقع شود.
۱۹۵. بر پایه ماده ۱۸۱، سازش‌نامه رسمی در دفترخانه موجب ختم موضوع در پرونده و اجرای آن تابع اسناد لازم‌الاجراست.
۱۹۶. طبق ماده ۱۸۲، سازش در دادگاه باید دقیق در صورتجلسه درج و به امضای قاضی و طرفین برسد.
۱۹۷. مطابق تبصره ماده ۱۸۲، سازش حین اجرای قرار توسط قاضی مجری قرار در حکم سازش در دادگاه است.
۱۹۸. بر اساس ماده ۱۸۳، سازش‌نامه غیررسمی خارج از دادگاه نیازمند حضور طرفین و اقرار به صحت در دادگاه است و در عدم حضور بدون عذر، دادرسی ادامه می‌یابد.
۱۹۹. طبق ماده ۱۸۴، پس از حصول سازش، دادگاه گزارش اصلاحی صادر می‌کند و مفاد سازش نسبت به طرفین و قائم‌مقامشان همانند حکم لازم‌الاجراست.
۲۰۰. مطابق ماده ۱۸۵، در عدم تحقق سازش، تعهدات و گذشت‌های ضمن مذاکرات الزام‌آور نیست.
۲۰۱. بر پایه ماده ۱۸۶، هرکس می‌تواند از دادگاه بدوی کتبی دعوت طرف برای سازش را درخواست کند.
۲۰۲. طبق ماده ۱۸۷، دعوت برای سازش با تشریفات احضار انجام می‌شود و باید قید شود دعوت برای سازش است.
۲۰۳. مطابق ماده ۱۸۸، در عدم توفیق به سازش، مراتب در صورتجلسه قید و امضا می‌شود و در صورت امتناع از امضا، دادگاه قید می‌نماید.
۲۰۴. بر اساس ماده ۱۸۹، در احراز عدم تمایل طرفین به سازش، دادگاه آنان را به طرح دعوا ارشاد می‌کند.
۲۰۵. طبق ماده ۱۹۰، عدم حضور یا اعلام کتبی عدم تمایل به سازش موجب اعلام به درخواست‌کننده برای اقدام قانونی است.
۲۰۶. مطابق ماده ۱۹۱، استنکاف از سازش پس از حضور نیز مطابق ماده ۱۹۰ رفتار می‌شود.
۲۰۷. بر پایه ماده ۱۹۲، عدم حضور یا عدم قبول سازش مانع درخواست مجدد سازش در همان یا دادگاه دیگر نیست.
۲۰۸. طبق ماده ۱۹۳، در حصول سازش از طریق درخواست سازش، مقررات سازش در دادگاه اعمال می‌شود و هزینه دادرسی آن غیرمالی و بدون تشریفات است.
۲۰۹. بر اساس ماده ۱۹۴، دلیل امری است که برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌شود.
۲۱۰. طبق ماده ۱۹۵، ادله اثبات معاملات تابع قانون زمان انعقاد است مگر ادله شرعی مجری نبوده یا خلاف آن تصریح شده باشد.
۲۱۱. مطابق ماده ۱۹۶، ادله اثبات وقایع خارجی مانند ضمان قهری و نسب تابع قانون زمان طرح دعواست.
۲۱۲. بر پایه ماده ۱۹۷، اصل برائت است و مدعی باید ادعای حق یا دین را اثبات کند و در غیر این صورت با سوگند خوانده حکم برائت صادر می‌شود.

۲۱۳. طبق ماده ۱۹۸، پس از اثبات حق یا دین، اصل بر بقای آن است مگر خلافش ثابت شود.

۲۱۴. مطابق ماده ۱۹۹، دادگاه در امور حقوقی مکلف به انجام هر تحقیق لازم برای کشف حقیقت علاوه بر دلایل طرفین است.

۲۱۵. بر اساس ماده ۲۰۰، رسیدگی به دلایل مؤثر و مورد اختلاف باید در جلسه دادرسی انجام شود مگر قانوناً ترتیب دیگری مقرر باشد.

۲۰۶. طبق ماده ۲۰۱، تاریخ و محل رسیدگی به طرفین اطلاع داده می‌شود و عدم حضور مانع انجام تحقیقات نیست.

۲۱۷. مطابق ماده ۲۰۲، اقرار معتبر به نفع طرف مقابل، بی‌نیاز از دلیل دیگر است.

۲۱۸. طبق ماده ۲۰۳، اقرار در لایحه یا جلسه دادگاه اقرار قضایی محسوب می‌شود و خارج از آن اقرار خارج از دادگاه است.

۲۱۹. بر اساس ماده ۲۰۴، اقرار شفاهی در جلسه باید در صورتجلسه قید شود و اقرار کتبی در اسناد و لوایح تقدیمی معتبر است.

۲۲۰. طبق ماده ۲۰۵، اقرار وکیل علیه موکل در امور قاطع دعوا پذیرفته نمی‌شود چه در دادگاه و چه خارج از دادگاه.

۲۲۱. مطابق ماده ۲۰۶، رسیدگی به حساب‌ها و دفاتر ممکن است در دادگاه یا محل نگهداری اسناد انجام شود و قابل ارجاع به دادرس دیگر است.

۲۲۲. طبق ماده ۲۰۷، اگر سند ابرازی به نفع طرف مقابل باشد و او به آن استناد کند، ابرازکننده حق استرداد یا نادیده گرفتن آن را ندارد.